

خالی از شوخی

انواع صیغه

این روزها به علت این که در مجلس شورای اسلامی بحث بر سر طرح و تصویب لایحه حمایت از حقوق خانواده که بطور مختصر و ساده به آن «لایحه صیغه مردان» می‌گویند بالاگرفته و تعیین انواع صیغه و ضرورت هر کدام از آن‌ها بسیاری از نمایندگان مجلس را به گنجی انداخته است، لازم می‌دانم تعریف‌ها و انواع صیغه‌های زیر را برای تصمیم‌گیری هرچه بهتر و سریع‌تر این نمایندگان عزیز و محترم عرضه دارم.

انواع صیغه را می‌توان به دسته‌ها و نوع‌های زیر تقسیم کرد:

صیغه مجلسی: صیغه‌ای که بر اساس تصویب مجلس شورای اسلامی حق گرفتن یک زن دیگر بدون اجازه زن اول داری و اگر زنت پرسید چرا شب جمعه اینقدر از من فاصله می‌گیری و روی کاناپه می‌خوابی حق تکیه داشته باشی و بگویی کارم زیاد بود و خسته‌ام!

صیغه حسادتی: این که زن و دختر مردم را صیغه کنی برای این که دل دوستان متاهل خودت را بسوزانی که وسع و جرات صیغه ندارند!

صیغه صلواتی: یعنی صیغه کردن دختر جوان و بی‌پول و بی‌خانواده‌ای که مفت و مسلم با تو رابطه شرعی جنسی برقرار کند.

صیغه دایم: همان ازدواج رسمی است بدون مهریه و زیر لفظی.

صیغه موقت: مثل همان ازدواج است ولی باید ساعتی پول بدهی.

صیغه اشتراکی: صیغه زنی که بخاطر نداشتن پول کافی او را به صورت دونگی با رفقای دیگر در نکاح موقت خود درآوری.

صیغه تولیدی: صیغه‌ای که صرفاً بخاطر تولید مثل است و مرد قصد دارد بدون وابستگی به ازدواج رسمی مانع انقراض نسل خود شود.

صیغه ناموسی: صیغه‌ای که بخاطر جلوگیری از فحشاء در بین افراد خانواده مرد با خویشاوندان مونث خود (دختر عمو، دختر عمه، دختر خاله، دختر دایی و همچنین عمه و خاله) نکاح

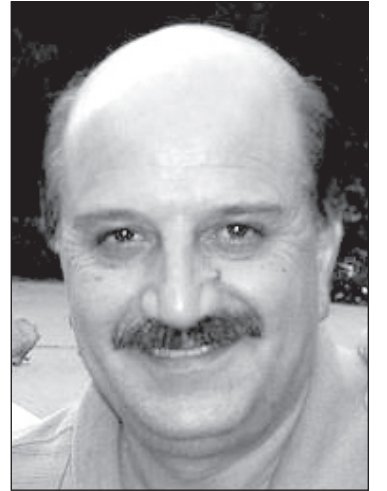
هر سال با افسردگی و عصبانیت زیر لب می‌گوید: Not again!، برای او اداره کردن هتل در روزهای اقامت احمدی‌نژاد بسیار سخت است. به غیر از برخورد با هزاران نفر که در بیرون هتل به در و دیوار تخم مرغ و گوجه فرنگی پرت می‌کنند و از آمدن احمدی‌نژاد به نیویورک عصبانی هستند، او مسایل و مشکلات بغرنج فراوان دیگری هم دارد. او حق ندارد برای یک هفته در یوفه صبحانه هتل «بیکن» خوک سرو کند و باید همه توالت فرنگی‌های خود را به «سوراخ‌های در توالت فرنگی‌دار» در حمام‌های هتل تبدیل کند. باید همه اتاق‌های دیگر هتل را به نصف قیمت به مشتریان غیر ایرانی خود عرضه کند چون آن‌ها از بیدار شدن در ساعت شش صبح با صدای اذان ناراحت و معذب می‌شوند.

گفته شده که احمدی‌نژاد این بار با گروه خاخام‌های یهودی نیویورک ملاقات و گفت و گو خواهد کرد چون قبلاً یکبار با آن‌ها عکس انداخته و همه این عکس‌ها را دیده‌اند. او به دیدار خرابه‌های فاجعه یازده سپتامبر هم نخواهد رفت چون ویزای او محدود به بخشی از نیویورک است و شامل این قسمت از نیویورک نیست.

احمدی‌نژاد این بار حرف جدیدی برای گفتن در سازمان ملل ندارد. هاله نور و مدیریت جهانی جوک‌های بی‌مزه قدیمی شده‌اند. سخنرانی برای صندلی‌های خالی سالن هم لطف جدیدی ندارد و می‌توان همان عکس‌های سال قبل را در روزنامه‌ها چاپ کرد (اگر صندلی‌ها را عوض نکرده باشند).

می‌گویند اتفاق جدید در سفر امسال احمدی‌نژاد به نیویورک ممکن است دیدار و ملاقات او با فاضل رفوف، امام جمعه آینده مرکز اسلامی و مسجد نیویورک، باشد. مسجدی که قرار است در دو چهارراه آن طرف‌تر از خرابه‌های یازده سپتامبر ساخته شود.

این که او چه چیزی به این امام جمعه خواهد گفت کاملاً پیش‌بینی شده است: ۲۵ درصد اضافه‌ای که دانولد ترامپ پیشنهاد کرده تا زمین این محل را بخرد قبول کن و یک محل بهتر و یک چهارراه نزدیک‌تر به خرابه‌های یازده سپتامبر پیدا کن!



مسعود ناصری

massoudnasseri@comcast.net

سفر دوباره احمدی‌نژاد به نیویورک

این سفر چندم احمدی‌نژاد به نیویورک است؟ خودش نمی‌داند و باید از رحیم مشایی پرسید که این سفرها را جور می‌کند. آمریکایی‌ها هم حسابشان بعد از این پروبازی‌های احمدی‌نژاد بهم خورده است و نمی‌توانند بفهمند چرا کسی که هر روز در کشورش مرگ بر آمریکا می‌گوید و پرچم کشورشان را آتش می‌زند چپ و راست هر سال به نیویورک می‌آید؟ لاقل نوار ویدیوی ضبط شده به سازمان ملل بفرستد و بگوید من با شما قهرم و پایم را به کشور فلان فلان شده کوفتی شما نمی‌گذارم. احتمالاً در نیویورک صاحب و مدیر هتلی که احمدی‌نژاد و همراهانش به آنجا می‌روند دوباره مثل

خودش را فدای جسارت خود کرد. ضمن تماشای تلویزیون از زخم پرسیدم: اگر یکی از رفقا را ببینی که دارد از این دیسکوتک بیرون می‌آید از او چه می‌پرسی؟ جواب داد: نمی‌دانم! گفتم: چطوره بهش بگی حاجی زیارت قبول! جوابم را نداد. بقیه گزارش را داشتم گوش می‌کردم و به دلایل عجیب و غریبی آهنگ تند و شاد فرامرز آصف نوری گوشم پیچید: حاجی یک تکون، حاجی دو تکون...

طنز - نقدی بر کنسرت گروه مستان در آتلانتا

احتمالاً گروه موسیقی مستان معرف حضورتان است و خواننده جوان و خوش ذوق آن پرواز همای را هم می‌شناسید. این گروه در تور آمریکای شمالی خود چون شنیده بود من در آتلانتا زندگی می‌کنم مسیر سفرش را تغییر داده و کنسرتی نیز در شهر ما برگزار کرد. من هم چون شنیده بودم گروه مستان به شهرمان می‌آید به دیدن و شنیدن کنسرت آن‌ها رفتم.

* سالن کنسرت که در دانشگاه «جورجیا تک» بود مملو از جمعیت بود. تعداد خانم‌ها بنظر بیشتر از تعداد مردها بود که احتمالاً بخاطر خوش‌تیپی همای آمده بودند و نه صدای او. چند سال بود که این همه زن مو بلوند و خوشگل زیر یک سقف ندیده بودم!

* وقتی همای با لباس قرمز یک دست و در میان گروه خود که همه لباس سیاه داشتند روی صحنه ظاهر شد ترس برمان داشت که آهنگ‌های اسلامی مارکسیستی بخوانند اما وقتی که شروع کردند فهمیدیم که اینطور نیست و نفس راحتی کشیدیم.

* این گروه مستان واقعا گروه بسیار نوآور و سنت شکنی است. علت این که این حرف را می‌زنم این است که برخلاف عادت و سنت و همیشگی این کنسرت راس ساعت اعلام شده

می‌نماید. صیغه رقابتی: صیغه‌ای که در آن تعداد زنان صیغه شده مطرح است و صرفاً برای رو کم کردن رفقای شهوتی و پولدار شخص می‌باشد.

صیغه فرمایشی: صیغه‌ای که بر اساس دستورات آیات عظام تکلیف و تعیین می‌شود و بغیر از دفع شهوت مرد در خدمت اطاعت از فروع دین قرار می‌گیرد.

صیغه کوپنی: صیغه‌ای که می‌توانی زن صیغه‌ای خود را در بازار آزاد بفروشی و با سود اضافه صیغه بهتری اختیار کنی.

صیغه سبز: صیغه‌ای که شرعی نباشد و دوست دختر داشته باشی.

جوک هفته

منشور حقوق بشر کوروش یک خشت پاره بیشتر نیست و نمی‌تواند راهنما و سمبل مدیریت دنیا باشد بلکه مدیریت ۳۰ ساله جمهوری اسلامی ایران باید اصل و مرجع این مدیریت جهانی قرار گیرد!

ارسالی: حسین شریعتمداری - «کیهان» تهران

دیسکوتک ((مکه)) در اسپانیا

اخبار تلویزیون نشان می‌داد که شخصی در اسپانیا دیسکوتک و یا نایت کلاب بزرگی را به نام «مکه» باز کرده و شکل و شمایل این محل را دقیقاً مثل خانه کعبه عربستان سعودی طراحی کرده و ساخته است. به گفته گزارشگر این برنامه این محل داغ‌ترین محل تجمع جوانان در شهر بارسلون اسپانیا است و گرمی صحرای داغ عربی را به مشتریان خود القاء می‌کند. گزارشگر از شجاعت و جسارت صاحب این محل سخن می‌گفت و تعجب می‌کرد که او از وابستگان سلمان رشدی انگلیسی هندی معروف نیست و ضمناً از هواداران ون گوگ هلندی هم نمی‌باشد که به اندازه سلمان رشدی شانس نداشت و جان



خریداران مسکن!

فرصت طلایی خرید رو بپایان است.

شما نیز از قیمت‌های پائین مسکن بهره ببرید!

مشاور شما،

مصطفی فحول

571-241-4385

mfahool@gmail.com

WWW.FAHOOL.COM




کانون دوستداران فرهنگ ایران

IRANIAN CULTURAL ASSOCIATION

James Madison High School, 2500 James Madison Drive, Vienna, VA 22181

در کافه تریا - ورودی از ساختمان شماره یک یا سه

دوشنبه ۲۷ سپتامبر (۵ مهر)

درباره مجله ادبی ((بخارا))

سخنران: علی دهباشی

پژوهشگر و سردبیر «بخارا»

دوشنبه ۴ اکتبر (۱۲ مهر)

جمهوری اسلامی:

شکاف و اختلافات درون حاکمیت

سخنران: سید مجتبی واحدی

ترتیب برنامه: ساعت ۷، صرف چای و شیرینی و دیدار دوستان؛ ساعت ۷ و نیم: شروع برنامه

تلفن اطلاعات کانون: 703-817-1651

E-mail: Kanooneiranian@hotmail.com www.kanooneiranian.org

فروشگاه شهرزاد

Shahrzad International Market

با ۲۲ سال سابقه خدمت به جامعه ایرانی آتلانتا و حومه خواربار ایرانی با عالی‌ترین کیفیت و مناسب‌ترین قیمت گلچین شده از سرتاسر جهان

ما مرغوبیت را فدای قیمت ارزان نمی‌کنیم

میوه و سبزیجات کمیاب - شیرینی و بستنی - لوازم آشپزخانه

Books + DVD + CD + Newspapers

محل پخش هفته‌نامه «ایرانیان»

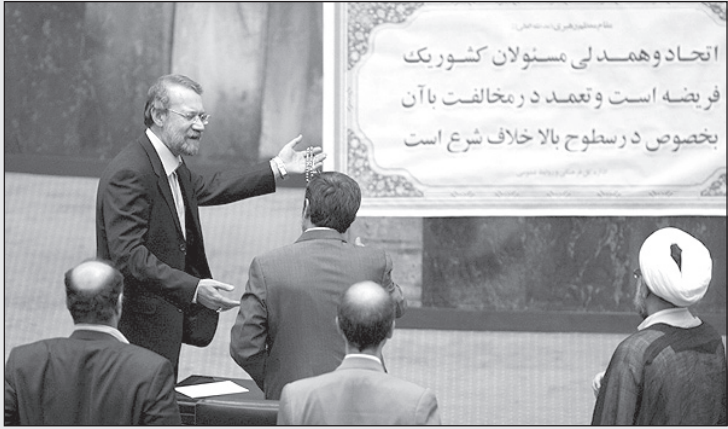
نماینده انحصاری ماهواره ایرانی بدون بشقاب (I.T.C)

Phone: 404.257.9045

6435-A Roswell Road N.E., Atlanta, GA 30328

Shop online: www.shahrzad.com خریدهای خود را می‌توانید از طریق اینترنت انجام دهید

شوخی عکسی



لاریجانی: محمود خان حداد به حرف آقا گوش بده و اینقدر پا توی کفش من نکن!

گفت: به تو چه ربطی دارد؟
گفتم: چون قانون مملکت می‌شود و اجازه گرفتن از زن دیگر مطرح نیست.
گفت: باز هم به تو چه ربطی دارد؟
گفتم: دیگه از این که یواشکی و دور از چشم تو دوست دختر گرفته‌ام احساس گناه نمی‌کنم.

به زنم گفتم: اگر این لایحه صیغه توی مجلس تصویب بشه باید بریم به یک خانه بزرگتر.
گفت: چطور مگه؟
گفتم: فکر نمی‌کنم یک اتاق خواب برای همه شماها کافی باشد.
خندید و گفت: تو می‌تونی روی کاناپه بخوابی!

از مجموعه داستان «هذیان‌های شبانه»
ساعت دیواری

زنم یک ساعت دیواری خریده بود که جایگزین ساعت دیواری قدیمی بالای یخچال آشپزخانه شود. ساعت قبلی ساعت عجیب و غریبی بود. بقیه در صفحه ۳۳

سیرش کند.
کسی صدایم کرد...
در این همه‌ها صدایش را نمی‌شنوم
صدای عرعر و بع بع چه زیباست...

گفت و گوی من با زنم درباره صیغه

به زنم گفتم: اگر این لایحه صیغه توی مجلس تصویب بشه خیلی عالی میشه.
گفت: چطور مگه؟
گفتم: من می‌تونم بدون اجازه تو یک زن دیگر بگیرم.
گفت: خب من هم میرم بدون اجازه یک نفر را صیغه می‌کنم.
گفتم: نمیشه. تو یک زنی و من یک مرد هستم

گفت: خیلی نامردی!

به زنم گفتم: اگر این لایحه صیغه توی مجلس تصویب بشه خیلی عالی میشه.

* بعد از خاتمه کنسرت همه به سالن جلوی ساختمان رفتند تا با اعضاء گروه دیدار کنند و با آن‌ها عکس بیندازند. در شلوغی سالن یک جوان آمریکایی که کنار من ایستاده بود از من پرسید: می‌تونی به من بگی خلاصه شعرهای این آهنگ‌های کنسرت درباره چه بود و چه نوع آهنگ‌هایی بودند؟ جواب دادم: Drinking songs تعجب‌زده سرش را تکان داد و از من دور شد. احتمالاً نمی‌توانست بفهمد این همه ایرانی مسلمان چرا به کنسرتی درباره نوشیدن می‌توصیف می‌خانه و جاذبه ساقی آمده‌اند!

* نکته آخر: متأسفانه نتوانستیم با همای و اعضاء گروهش عکس بگیریم و به یادگاری آن شب خوب نگه داریم. دور و بر همای بسیار شلوغ بود. از محافظین سالن کنسرت پرسیدیم: چقدر طول می‌کشد نوبت ما بشود؟ یکی از محافظین سالن که مرد سیاهپوست شوخی بود جواب داد: نمی‌دانم! بستگی به این خانم میانسال دارد که روی رهبر گروه افتاده و مرتب او را ماچ می‌کند و ول کن معامله هم نیست. جلوتر رفتیم. راست می‌گفت. صورت همای را دیدم که زیر بمباران بوسه‌های این «فن» یا طرفدارش (که همان خانمی بود که جلوی ما نشسته بود) پر از ماتیک قرمز شده است. و چقدر هم لکه‌های ماتیک به لباس قرمز او می‌آمد...

بخش ادبی

با اجازه سهراب سپهری

کسی صدایم زد... مموئی... مموئی...
کایشنم کو؟
کفش‌های سوراخ‌دارم کو؟
تی‌شرت عرق دارم کو؟
در این علفزارها هزاران الاغ یونجه می‌خورند
آب را نباید گل‌آلود کرد
شاید آنجا الاغی در لبنان و سومالی و سودان و پاکستان
دارد از این آب می‌نوشد.
مگر مهم است که تشنه نباشد؟
مگر مهم است که آب زلال باشد؟
فقط مهم است که گرسنه باشد و آب

است. البته نفهمیدم منظورش از «خارجی» ما ایرانیان خارج از وطن بودیم یا آمریکاییان داخل مملکت خودشان؟

* شعر آهنگ انگلیسی برنامه به علت لهجه «فارگلیش» همای زیاد مفهوم نبود حتی با این که تلفظ انگلیسی‌اش بهتر از بعضی از رفقای بود که ۳۰ سال است در آمریکا هستند. بروشور برنامه که متن شعر در آن چاپ شده بود تیره و تاریک بود و در تاریکی سالن اصلاً نمی‌شد آن را خواند. کاش مسئولین همراه این بروشور یک چراغ قوه هم به شرکت کنندگان در کنسرت در هنگام ورود به سالن می‌دادند تا شعر را با آهنگ دنبال کنند.

* وسط کنسرت بود که از خودم سؤال کردم چرا گروه‌های موسیقی اصیل ایرانی رهبر ارکستر ندارند (همان کسی که با یک چوب بلند ارکستر را رهبری می‌کند) بعد به خودم جواب دادم: برای این که ما در ایران مشکل رهبری داریم و هیچ کس دیگری را بعنوان رهبر به این سادگی قبول نمی‌کند. همه می‌خواهند رهبر ارکستر باشند و مرکز توجه حضار در سالن قرار بگیرند. فکر می‌کنم برای حل همین مشکل رهبری به هر یک از نوازندگان اجازه می‌دهند برای خودنمایی چند دقیقه تکنوازی کنند و خودشان را نشان دهند.

* خواندن آهنگ معروف اسپانیایی Besame Mucho با ارکستر موسیقی اصیل ایرانی البته هیچ اشکالی ندارد. همای هم نسبتاً خوب از پس اجرای آن درآمد. کاش لهجه انگلیسی‌اش به خوبی لهجه اسپانیایی‌اش بود و آهنگ قبلی را بهتر اجرا می‌کرد. کلاً بهتر است روی اجرای این نوع آهنگ‌ها بیشتر کار کنند و یا تنظیم آهنگ بهتری انجام دهند. البته بهترتر است که آندره بوجلی ایتالیایی را بعنوان خواننده مهمان به برنامه خود دعوت کنند. جای حسن گلنراقی خالی که ببینند با آهنگ «مرا بیوس» او چکار کردند.

* هیچان ملت به اوج رسید وقتی که همای خواننده گروه مستان شعری درباره این که مردم چقدر از کوروش بزرگ به خوبی یاد می‌کنند و از رهبران و حکمرانان دیگر امروز ایران چقدر متنفر هستند خواند. ملت چقدر برای کوروش دست زدند و چقدر برای نفر دوم هو کشیدند. جای آقای خامنه‌ای خالی بود.

شروع شد و همه را تعجب زده کرد. همای و اعضاء گروهش خیلی جوان‌تر از آنی بودند که فکر می‌کردم. توی اینترنت بنظر مسن‌تر می‌آمدند. می‌گویند صفحه تلویزیون همه را چاق‌تر از آن که هستند نشان می‌دهد و حالا معلوم شد که اینترنت و یوتیوب آدم‌ها را جا افتاده‌تر هم نمایش می‌دهد. شاید هم این گروه بخاطر این که مدتی از ایران دور بوده و مثل هموطنان داخل کشور که دچار پیری زودرس می‌شوند پیر نشده که هیچ، جوان‌تر هم شده‌اند. بین این‌ها اگر بزرگ بشوند چه خواهند شد؟

* روی صندلی جلوی ما خانم میان سالی نشسته بود که مرتب سوت بلبلی می‌زد و شعارهای لاله‌زاری می‌داد. چند بار داد کشید: قربونت برم! ناز نفست! فدای اون موهای بلندت بشم! وقتی که آهنگ‌هایی درباره نوشیدن می‌و باده‌گساری خوانده می‌شد این خانم فریاد می‌کشید: نوش جون!

* کوک کردن سازها در ابتدای برنامه خیلی طول کشید. چندتا دانشجوی موسیقی آمریکایی که کنجکاو بودند ببینند موسیقی اصیل ایرانی چه ریختی است هنگام کوک کردن سازها فکر کردند برنامه گروه شروع شده و در همان دو سه دقیقه اول سالن را ترک کردند.

* نمی‌دانم چرا این گروه‌ها سازها را قبل از اجرای برنامه در اتاق رختکن خود کوک نمی‌کنند؟ وقتی این را به دوستم که همراه من به کنسرت آمده بود گفتم جواب داد: برای این که در هر قسمت ساز کوک خودش را می‌طلبند. جوابش دادم: چرا با خودشان دو سه تا ساز کوک شده نمی‌آورند؟ با آرنج زد توی پهلویم که: خفه شو!

* انتظار داشتیم آهنگ‌ها کمی انقلابی و جنبش سبزی‌تر باشد. به غیر از یکی دو تا آهنگ نیمه انقلابی بقیه همه جنبش زردی بودند تا جنبش سبزی. البته همای چون قرار است بزودی به ایران برگردد نمی‌توان زیاد به او ایراد گرفت.

* خواندن یک آهنگ به زبان انگلیسی با سازهای اصیل ایرانی جالب بود. شعر را هم توی بروشور برنامه چاپ کرده بودند که مدعوین بخوانند. همای اعلام کرد که برای شرکت کنندگان خارجی برنامه این قسمت را اضافه کرده



رستوران کاسپین

واقع در گیترزبورگ، مریلند (مطابق کت‌لند)

موزیک زنده: جمعه، شنبه و یکشنبه‌ها
از ساعت ۶ بعد از ظهر

رقص عربی: جمعه‌شب‌ها و شنبه‌شب‌ها

بوفه سفارشی و رنگین رستوران کاسپین
ویژه مهمانی‌ها و گردهمایی‌های مختلف

کترینگ کاسپین با گوشت صد در صد حلال و کیفیت بالا
هر نفر ۱۳ دلار (شامل Tax)
دلپوری رایگان

برای مهمانی‌های ۳۰ تا ۱۰۰ نفر
بوفه کامل غذا، نوشابه، پیش غذا، چای، قهوه و دسر
هر نفر از ۱۵ دلار

غذاها شامل انواع کباب، پلوهای مخلوط، خورش‌ها، پیش غذاها و دسر با نظارت کامل خانم شیرازی تهیه می‌شود

72 Market Street, Gaithersburg, MD 20878
Tel.: 301-590-0007
www.caspiankentlands.com



